

فنته را خاموش کرد. اگر قرار باشد که صدها سال مردم دست روی دست بگذارند و تماشگر فنته ها باشند و تماشگر ذلت مسلمان ها باشند، تماشگر از دست رفتن صلاح دین و دنیا باشند، این غیب سازد با مذاق ائمه علیهم السلام و با روایات معتبر و آیات قرآن غیب سازد.

ثالثاً ادله ای داریم برای امر به معروف و نهی از منکر که مال همه زمان هاست. چه منکری از این بالاتر که ظالمین و غاصبین تسلط پیدا کنند بر سرنوشت مردم و مردم بنشینند و نگاه کنند؟! گاهی منکر و معروف را در امور جزئی ما ملاحظه می کنیم اما منکرهای کلان، معروف های کلان خیلی مهم هستند. چه منکری کلان تر از اینکه، امام (رضوان الله عليه) فرمودند چه فنته ای بالاتر از اینکه محمد رضا و رضاخان در ایران به وجود آورده بودند. ایران برای استکبار و استبداد پایگاه شان شده بود، منابع و ثروت ایران را می برندند، فرهنگ و سیاست ایران را قبضه کرده بودند. این فنته است دیگر. حالا مردم بنشینند و تماشا گر این فنته ها و منکرات باشند؟! بنابراین این صحیحه ای بصیر مخالف است با قیام هایی که حق بوده است از نظر ائمه علیهم السلام.

حالا آیا ما می توانیم این معارضات را توجیه کنیم؟ چون میزان ما این است که اگر دو تا خبر، دو تا دلیل با هم تعارض کردن، بعد از اینکه هر دو جامع شرایط صحت بودند از نظر سند، اگر جمع دلالی ممکن بود که جمع دلالی می کنیم. — جمع دلالی هم یا عام و خاص است یا مطلق و مقید است یا حاکم و محکوم است و یا وارد و مورود. — دلیلی نسبت به دلیل دیگر عام است و آن خاص، تخصیص می زنیم. با حفظ سند و غیره آن یکی مطلق است این یکی مقید، به دست عرف بدنهند اهل عرف متاخر غی ماند. یکی از آنها را «بیان للاخر» حساب می کند. هر کجا این طور شد جمع دلالی می کند. مثل عام و خاص، مطلق و مقید، حاکم و محکوم، وارد و مورود. این جمع دلالی است. در اینجا می گوییم نیست؛ زیرا «کل رایه ترفع» یک سیاق آبی از تخصیص است و جمع دلالی بین این «و ما بعارضه» امکان ندارد. باید برویم سراغ موازین دیگر. ما در تعارض ادله موازینی داریم. اگر جمع دلالی باشد جمع دلالی. اگر آن نشد باید برویم سراغ موافقت و مخالفت کتاب، موافقت و مخالفت عامه. این راه هایی است برای ما. آخرش اگر هیچ کدام نشد «فتاخیر». خوب قبل از اینکه به «فتاخیر» برسد می بینیم که این روایات مخالف کتابند. مگر اینکه اینجور توجیه کنیم؛ بگوییم: قیام دو جور است که بعضی نقل می کنند، شواهدی هم در روایات دارد؛ یک قیامی است که دعوت به نفس است. یک قیامی است که دعوت به حق است. دعوت به

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: جهاد جلسه چهل و هفتم تاریخ: ۸۷/۹/۲۶
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خاتم الانبياء
والمرسلين سيدنا ونبينا أبي القاسم محمد وعلى أهل بيته الطيبين الطاهرين
المصوومين سيمما بقية الله في الأرضين وللنون على أعدائهم أجمعين.

بحث ما با توفيق پروردگار متعال درباره روایات باب سیزدهم از ابواب جهاد عدو است که دلالت دارند بر اینکه جهاد و قیام، تا آمدن حضرت مهدی (ع) محکوم به شکست است و نباید انجام بگیرد. کسانی که مخالف هر حرکت و هر قیامی در برابر ظلم ظالمین و مراکز فنته و فساد هستند و عقیده دارند که در برابر اینها باید سکوت کرد و بی تفاوت بود، به این روایات تمسک می کنند برای جلوگیری از رواج و پیشرفت جهاد و قیام ها. ما این روایات را خواندیم تا رسیدیم به خبر ششم این باب که صحیحه ای بصیر بود.

صحیحه ای بصیر که سندش به عرض رسید دلالت داشت بر اینکه «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَفَصَاحِبِهَا طَاغُوتٌ يُعَيْدُ مَنْ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» این روایت علاوه بر اینکه می گوید: نباید قیام کرد، صاحب رایه هم متهم می شود به اینکه طاغوت است. هر کسی که بخواهد قیام کند طاغوت است. — همین خبر در غیبت عمانی از ابی جعفر (ع) به همین مضمون نقل شده است.

خوب این روایات — آن روز عرض کردیم — معارض است با چند چیز؛ اولاً معارض است با قیام هایی که صورت گرفته و ائمه علیهم السلام بر آن صحه گذاشتند. که یکی از آنها که خیلی مشهور است، قیام شهدا فخر است. قیام شهدا فخر در زمان امام موسی کاظم (ع) بوده است. چندین سال بعد از صدور این حدیث، این قیام صورت گرفته. پیغمبر صلوات الله عليه و آله و ائمه دیگر مثل حضرت جواد (ع) و امام صادق (ع) بر این قیام صحه گذاشتند. بنابراین این روایت معارض است با قیامی که مورد تصویب ائمه علیهم السلام بوده است. در این روایت حضرت باقر یا صادق می گویند هر قیامی قبل از ظهور حضرت مهدی (ع) محکوم به شکست است و صاحبین طاغوت است ولی بعد از همین حدیث شهدا فخر قیام کردند و پیغمبر صلوات الله عليه و آله و ائمه علیهم السلام از آنها تجلیل کردند، بر آن صحه گذاشتند و ستایش کردند. ثانیاً این روایت معارض با آیات و روایات معتبر جهاد است. که خیر دین و دنیا و صلاح دنیا و آخرت، عزت مسلمان ها را در هر عصر و هر زمانی در جهاد خلاصه می کند و ترک جهاد را موجب ذلت مسلمان ها می دانند و می گوید که هر کجا فنته است باید قیام کرد و

خواسته است منافع و اهداف شخصی خودش را تأمین کند. خوب معلوم است این طاغوت است.

مثلا در کتاب تاریخ قم که یکی از مدارک بخار است در سفیة البخار هم در ماده «ق -م» نقل کرده؛ این کتاب تاریخ قم مدرکی برای محدثین است و صاحبین معاصر صدوق است. صدوق ۳۸۱ هـ ق از دنیا رفت، یعنی قرن چهارم. آنجا است که از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام «رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ قَمْ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ بِجَمِيعِ مَعَهُ قَوْمٌ كَثِيرٌ الْمُدَيْدِلُونَ لِرِبِّ الْأَعْصَافِ وَ لَا يَمْلُؤنَ مِنَ الْحَرَبِ وَ لَا يَجْبُونَ وَ عَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَ الْأَعْلَمُ لِلْمُتَقْبِلِينَ» خیلی ها این قیام را به انقلاب اسلامی تعبیر کردند. مردی از اهل قم قیام می کند و دعوت به حق می کند. قومی که با او جمع می شوند ۵ صفت دارند؛ اول اینکه مثل قطعات آهن محکم و مقاوم هستند. دوم اینکه تند بادها آنها را به حرکت در غی آورد، و متزلزل نمی کند. سوم از جنگ هم خسته نمی شوند. چهارم خوف و ترس به خودشان راه نمی دهدن. پنجم «علی الله يتوكلون».

بالآخره ما باید این حدیث را توجیه کنیم به همین معنا که عرض کردم. چون اگر برای حدیث توجیه نباشد، باید امر به معروف و نهی از منکر و جهاد تعطیل باشد و همه مسلمان ها تن به ذلت و زیونی بدھند و تسلط و استکبار و قدرت های فاسق به وجود بیاید و همه تقاضاگر باشند و بگویند ان شاء الله صاحب حق می رسد. این راجع به این حدیث ششم بود که مورد بحث ما بود.

چند حدیث است که باید بحث کنیم و چون مضامینشان با هم فرق می کند، ما انها را جدا جدا بحث می کنیم. بعد یک مطلبی راجع به صحیفه سجادیه خواندیم و گفتیم که شیوه به همین عبارت حدیث ششم در صحیفه سجادیه هم است که «كُلُّ رَأْيَةٍ ثُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَفَصَاحِبِهَا طَاغُوتٌ يُعْبَدُ مَنْ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ» چون صحیفه سجادیه خیلی عظمت دارد. حالا در مقدمه اش یک چنین حدیثی ذکر شده مورد بررسی است. صحیفه سجادیه را عرض کردیم که احتیاجی به سند ندارد؛ آنقدر ضمون عالی است که تمام محدثین و علماء از اول با دید عظمت به آن نگریسته اند و قبول کرده اند و زیور اهل بیت هم است. اما در مقدمه آن این حدیث وجود دارد، که هر کس مقدمه آن را بخواند، می گوید: امر به معروف و نهی از منکر و جهاد باید تعطیل باشد، تا امام زمان علیه السلام بیایند. حالا جوابش چیست؟ جوابش این است که این مقدمه در سندش دو نفر مجھول الحال وجود دارد و سند ضعیف است. این دو نفر که در سند واقع است یکی «محمد بن عبد الله ابوالمفضل شیبانی» است. این را علمای رجال تضعیف کردند. برای غونه در جلد ۱۶ معجم رجال حدیث

کسی است که اگر من غلبه پیدا کردم، این قدرت را به او تسلیم خواهم کرد. مثل قیام زید که در آن صحیحه «بعض» خواندیم. در خبر اول به این صورت بود که حضرت فرمودند: قیام بنی الحسن مثل قیام زید نیست. زید اگر قیام کرد در زمان بنی امية در برابر هشام بن عبدالمالک، اگر قیامش موفق می شد «لوفا» وفا می کرد. این قدرق که به دست آورده بود، این را به اهل بیت علیهم السلام تسلیم می کرد. اینجور قیام ها مورد رضایت بوده. ولی اگر شخصی قیام کند که دعوت به خودش کند در برابر صحابان حق و ائمه علمیه السلام، به این «صاحبها طاغوت». اگر از قرآن بیاوریم اینطور دارد [الذِّينَ آمَّوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ]. طاغوت را در برابر خدا، در برابر هم قرار داده. سبیل الله و سبیل طاغوت یعنی سبیل حق و سبیل باطل. اگر کسی مثل زید باشد قیام کند یا مثل شهدای فتح باشد که قیام کردند برای دعوت به حق، ممکن است کسی قدرت داشته باشد که قیام کند، بعد منطقه ای را تصرف کند و بعد آن منطقه را تقدیم کند به صحابان حق. در اینجا هم باید به این صورت گفت. باید گفت: به له کسی قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام قیام کند و دعوت به خودش کند این یک مصیبت و فاجعه ای است که گریانگیر جامعه اسلامی شده. از آن روزی که غدیر را کنار زندن کم کم این کار باب شد. فاطمه زهرا سلام الله علیها اولین شهید این جریان هستند. کم کم اهل بیت علیهم السلام که صحابان حق بودند کنار گذاشته شدند. حضرت علی علیه السلام فاطمه زهرا سلام الله علیها را سوار بر الاغ می کردند و شبهها به در خانه مهاجر و انصار می رفتند و می گفتند: ببینید که حق ما دارد پایمال می شود؛ ولی کسی کمکی نمی کرد. بعد از این جریان حضرت علی علیه السلام در آن آخر توансنتند چند سال حق خود را قبضه کنند. بعد هم بنی امية و بنی عباس و غزنویان و سلجوقیان و ایلخانان و تیموریان و صفویه و افشاریه و زندیه و قاجاریه و پهلوی آمدند روی کار. تمام اینها طاغوتند. برای اینکه اینها قیام که کردند، نظرشان این نبود که دین را تأیید کنند و حق را به صحابان حق بدھند. صاحب حق کیست؟ یا امام است یا پیغمبر است یا کسی که قائم مقام او باشد. بنابراین توجیهش این است که قیام دو قسم است. آن صحیحه عیص که اول باب است شاهد این هم هست. ائمه علیهم السلام از قیام هایی که صورت می گرفت ولی آن شخصی که قیام می کرد قصدش این بود که اگر تسلط پیدا کرد حق را به صاحب حق ادا کند، حمایت می کردند. این روایت محمول است بر آنچایی که آن قیام دعوت به نفس خودش است در برابر حق، بنابراین معلوم است که این قیام باطل است. ریختن خونها برای این نبوده که حق پیشرفت کند.

قبل از قیام حضرت مهدی الله محاکوم به شکست است، این مقدمه از لحاظ سند ضعیف است. دو نفر در سند هستند که علاوه بر اینکه مجهول الحال نیستند تضعیف نیز شده اند.

اما حالا برویم سراغ خود صحیفه. در خود صحیفه به این عظمت، یک راه بهتر این است که بینینم چیزی درباره جهاد وجود دارد؟ اگر داشته باشد مطلب روشن می شود. در خود صحیفه درباره جهاد و تشویق به جهاد و قیام خیلی مطلب وجود دارد. بنابراین ما چرا برویم سراغ مقدمه؟ می روم سراغ خود صحیفه. دعای ۲۷ سجادیه، دعایی است درباره مرابطین و مجاهدین. مرابطین یعنی مرزداران، ما خواندیم ان شاء الله رباط را می خوانیم.— رباط به معنی مرزداری است. مرزداری خیلی ثواب دارد. قبل از شهادت رباط ثوابش از جهاد بیشتر است. مثلاً دو نفر حرکت کرده اند یکی از آنها می رود جبهه که در موقعش جهاد کنند، یکی دیگر می رود به نگهبانی مرز. آن هم مرز بین کفر و اسلام، از آنجاست که بیشتر خطرها به وجود می آمده. رباط یک شبیش ثواب چند سال عبادت را دارد که بعداً می خوانیم. در آخر دعای اول صحیفه این است که: خداها شهادت را نصیب ما بفرما. اما دعای ۲۷ صحیفه سجادیه را مطالعه کنید. بنده چند جمله از آن را می خوانیم چون خیلی مفصل است. «و کان من دعائے علیه السلام لاهل الغور» دعای امام سجاد الله برای مرزداران. ساول از مرزداری شروع می شود، بعد در سوره جهاد است. اول می گوید: «اللهم صل علی محمد و آل محمد»، یکی از خصوصیات صحیفه سجادیه که خیلی باید با آن کتاب آشنا باشیم و بخوانیم. بعضی از دعاها یش خیلی برای ما طبله ها مهم است. یک دعایی است که امام سجاد الله بعد از غاز شب می خواندند: «یا من برح من لا یرحمه العباد و يقبل من لا یقبله البلا» خیلی عجیب است. در هر چند جمله، بعدش دارد: «اللهم صل علی محمد و آل محمد». امام سجاد الله عنایت داشتند که در ضمن این دعاها این مطلب را هم جا بیندازند، تبیت کند که: محمد و آل محمد را فراموش نکنند. تمام دعاها و کارهایشان به برکت اهل بیت باشد. شروع این دعای ۲۷ هم ذکر است. بعد «و حصنُ تُغُورَ الْمُسْلِمِينَ بَعْرَتِكَ» خداها مرزهای مسلمانات را با عزت خود محکم بگردان «و أَيْدِ حَاتِهَا بِقُوَّتِكَ» خداها حامیان مرزا را با قوت خود تأیید کن. «و أَسْبَغَ عَطَايَاهُمْ مِنْ جِدَّتِكَ» عطایای مرزداران را از فضل خودت تأمین کن. — جدّه یعنی اموال و مکن— «اللهم صل علی محمد و آل محمد و كثُر عِدَّتَهُمْ» عده شان را زیاد کن. «و اشحد اسلحه های آنها را بگران کن. «واحرُسْ حُوزَتِهِمْ» حوزه آنها را

صفحه ۱۴۴ تا ۲۶۵ ایشان می گوید که نجاشی گفته: که محمد بن عبد الله «کان سافر فی طلب الحديث عمره» در تمام عمرش برای حدیث این طرف و ان طرف می رفت «أصله کوفی و کان فی أول أمره ثبتاً، ثم خلط ورأیت جل أصحابنا يغمرون و يضعفونه» در ابتداء خوب بود «ثم خاطئ». نجاشی می گوید: جل أصحاب ما او را احترام نمی کردند و تضعیفش می کردند. شیخ هم در فهرست فرموده که محمد بن عبد الله «کثیر الروایة حسن الحفظ، غير أنه ضعفه جماعة من أصحابنا». شیخ طوسی در رجال دو کتاب دارد. ما درباره رجال دو جور کتاب داریم؛ یکی فهرست است یکی رجال است. فهرست یعنی فهرست اسامی مصنفین. مثل نجاشی ولی کتاب کشی رجال است. فهرست آن است که مقید به این است که صاحبان کتاب را ذکر کند، صاحبان اصول را ذکر کند. تقید به این دارد. در اول کتاب هم دارد که چون من دیدم که به ما طعنه می زندد که شما مؤلف و مصنف کم دارید، این را متألیف کردیم که نشان دهیم در میان شیعه چقدر مؤلف وجود دارد. نجاشی کتابش فهرست است. ولی کشی، خیلی به کتب کار ندارد. به اشخاص کار دارد. گاهی استطراداً می رود سراغ کتب؛ این می رود سراغ اشخاص؛ ولی هم نجاشی به فهرست و ذکر مؤلفین و مصنفین است و هم کشی به ذکر رجال است. خیلی از تاریخ هایی که ما داریم، در منتهی الامال، تاریخ های ائمه و اهل بیت عليهم السلام و رجال و ... از کشی گرفته شده است، کشی خیلی کتابش مهم بوده. الان کتاب کشی در دست نیست. این که الان در دست است این را شیخ طوسی از او اخذ کرده و نوشته، حالا به نام کشی است. ولی اصلش نیست. خیلی مطلب های تاریخی دارد. مال نجاشی فهرست است و مال کشی رجال است. ولی شیخ هر دو را دارد شیخ یک فهرست دارد و یک رجال دارد. آن عبارت که خواندم مال فهرست بود. در رجال، شیخ طوسی فرموده «ابوالفضل و ضاعُكَير الماكير» می گوید که جعل احادیث می کرده منکرات زیاد دارد «و رأيَتْ كَبِيْهَ فِيهَا الْإِسَانِيْدَ مِنْ دُونِ الْمُتُونِ وَ الْمُتُونُ مِنْ دُونِ الْإِسَانِيْدِ وَ ارَى تَرَكَ مَا يَنْفَرِدُ بِهِ» هر خبری که ابوالفضل گفته آن را م اترک می کنیم. این یک نفر است که در سند مقدمه صحیفه سجادیه است.

دوم متوكل بن عمیر بود، آخرین راوی این شخص بود. در معجم رجال حدیث جلد ۱۴ صفحه ۱۷۷ می گوید: متوكل بن عمیر «قال النجاشی» نجاشی گفته: متوكل بن عمیر همین شخصی که از بھی بن زید دعا صحیفه را ذکر کرده، ولی گفته به اینکه این شخص «فهو کیف کان لم تثبت وثائقه» و ثابت این شخص ثابت نیست. بنابراین سند آنچه که در مقدمه صحیفه سجادیه ذکر شده و آن عبارت که در آن بود که: هر قیامی

و رو به روی خانه کعبه، «الا اخبرکم» خبرداد چه خواهد شد. بعد آنچه ۶۴ موضوع را پیغمبر فرمودند. عجیب است واقعاً. آخرش هم می‌گوید: قومی از مشرق و قومی از مغرب بر امت من جمله ور می‌شوند. خوب الان بینید از چندین مملکت به عنوان ناتو جمعیت جمیع کردند در افغانستان، هین طور در عراق.

همان لنگه کفش دیشب خیلی چیز عجیبی بود که به طرف بوش پرتاب کردند. واقعاً بعضی از کارهای ابتکاری جالب است؛ تقریباً مثل حرکت حسین فهمیده که خیلی ابتکار جالی بود. ما باید سعی کنیم که هیشه ابتکار داشته باشیم. بنده گاهی نگاه می‌کنم به تلویزیون می‌بینم سالی چند دفعه از پژوهشگران، فناوری‌ها و غیره تقدیر و تشویق می‌کنند؛ ولی ما در حوزه نداریم. ما طلبه‌ها چه کم داریم؟ ما هم باید داشته باشیم. ما طلبه‌ها هم باید سالی چند دفعه از کسانی که واقعاً تحقیق و پژوهش دارند، درس‌ها را مرتب می‌نویسند، خودشان نوآوری دارند، تقدیر کنیم. ولی ما نداریم. ما هم باید در فکر باشیم. آیا در حدود ۵۰ هزار نفر که در حوزه هستید در طی سال، هیچ فن آوری و نوآوری ندارید که قابل تشویق باشید؟! دارید، ولی باید رسیدگی شود. بالاخره اینها کارهایی است که باید رسیدگی شود.

این کار که لنگه کفش را زد به بوش کار مهمی بود. بعد مردم عراق حرف خوبی گفتند، گفتند: آن لنگه کفش را باید در موزه ملی عراق به عنوان یک سند افتخاری برد. این کفش‌ها خیلی قیمت دارد. البته اگر حرکت مردم عراق نباشد، سر آن شخص بلا می‌آوردند. ول امیدواریم مردم عراق حرکتی داشته باشند. حرف سر این است که نباید دست روی دست گذاشت، این هم جهاد است. بقیه را ان شاء الله بعداً می‌خوانیم.

حفظ کن. «وَامْئَنْ حَوْمَتَهُمْ» منطقه شان را حفظ کن. «وَأَلَّفَ جَمِيعُهُمْ وَدَبَرَ أَمْرَهُمْ» خلاصه این دعایی است که به این ترتیب آغاز می‌شود. بعد درباره دشمن کلمات آورده، پروردگارا دشمن را «وَامْزُجْ مِيَاهُهُمْ بِالْوَبَاءِ» پروردگارا آب‌های دشمن را به میکروب وبا آلوه کن. امروز ثابت شده که وبا از راه آب منتقل می‌شود. از این قبیل کلمات شدید علیه دشنان اسلام دارد، بعد می‌رود سراغ مجاهدین. خوب بینید کلمات درباره مجاهدین طوری است که هر وقت صورت بگیرد به این گونه است. «اللَّهُمَّ اغْزُبْ كُلَّ نَاجِيَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ» هر جا که مسلمانان داری مشرکین باشند، اولاً با ملاتکه آنها را تأیید کن تا بتواند آنقدر بجنگد که پروردگارا اسلام علوّ و عظمت پیدا کند. «وَاعْمُمْ بِذَلِكَ اعْدَاءِكَ» عمومیت بده به جهاد که قیام کنند. *مِنَ الْهَنْدِ وَ الرُّومِ وَ الْتُّرْكِ وَ الْقَرْرَ وَ الْحَبَشَ وَ الْتُّوْبَةِ وَ الرَّيْجَ وَ السَّقَالَةَ وَ الدَّيَالِمَةَ وَ سَائِرَ أُمَّهَ الشَّرْكَ* خداوندا طوری قدرت بده به جهادگران که شرق و غرب و همه نقاط را بتوانند سلطنت پیدا کنند و حرکت کنند. شما خودتان بقیه را مطالعه کنید. از این قبیل غونه‌ها مفصل است و دلالت بر این دارد که جهاد که قدر مهرم است. امام سجاد که غنی خواهد دعا کند و مردم صدها سال بنشینند، تا وقتی که امام زمان آمدند. این دعای صحیفه سجادیه است و امام سجاد هم قبل از امام باقر و صادق علیهم السلام بوده. در این دعا می‌فرمایند که مردم مجاهد قیام کنند و حرکت کنند، خداوند به آنها کمک کند و هند و روم و ترک و خزر و حبش را بکویند.

بنده اینجا بعد از مراجعه به ریاض السالکین –گفتیم که ریاض السالکین شرح صحیفه سجادیه است در ۸ جلد چاپ شده مال سید علی خان و بسیار شرح خوبی است. همه چیز دارد؛ فلسفه، ادب، کلام، حدیث،... بنایراین دعای ۲۷ دلالت بر این دارد که جهاد با این عمومیت مورد تأیید ائمه علیهم السلام بلکه مورد دعای آنهاست؛ که مسلمانان ظفر پیدا کنند پیشرفت پیدا کنند. می‌توانیم بگوییم که امام سجاد علیه السلام این دعا را خوانده که مردم، قرن‌ها دست روی دست بگذارند و مقاومت باشند؟! عجیب است واقعاً! ۳۰ مملکت به آمریکا کمک کردند و لشکر دارند در افغانستان و در عراق هم همین طور. یعنی آن روایات که از اهل بیت داریم، پیغمبر صلوات‌الله‌علیه و آله در حجه الوداع فرمودند: «يَا أَتَى قَوْمٌ مِنَ الْمَشْرِقِ وَ قَوْمٌ مِنَ الْمَغْرِبِ فَالْوَلِيلُ لِضُعْفَاءِ أُمَّتِي مِنْهُمْ» این حدیثی جامع است که پیغمبر صلوات‌الله‌علیه و آله بیان فرمودند در مورد جریان‌های آخر الزمان. من حساب کردم که در آنجا ۶۴ موضوع را پیغمبر فرمودند. در حجه الوداع بعد از جریان عرفات و منی و ... آمدند